

فصل‌نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۸

دبیران و سنت دبیری در دوره ساسانیان

مژده بازاری‌نوی^۱ (نویسنده مسئول)

شهرام جلیلیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۴

چکیده:

یکی از کارهای بزرگی که اردشیر بابکان (۲۲۴-۲۴۰ م) بنیانگذار شاهنشاهی ساسانی انجام داد، این بود که با وضع قوانین و ایجاد سازمان اداری تازه‌ای برای کشور، دولت خود را بر شالوده‌های استواری بنیان نهاد. پیش از ساسانیان، جامعه ایرانی به سه طبقه تقسیم می‌شد، اما اردشیر طبقه دیگری به آن افزود که کار آنها اداره امور اداری کشور بود. این طبقه، دبیران یا نویسندگان بودند و «کارمندان دولت» هم نامیده می‌شدند و در طبقه سوم جامعه ساسانی قرار می‌گرفتند. رئیس این طبقه «ایران دبیرد» یا «دبیران مهشت» نامیده می‌شد که دارای قدرت اداری زیادی بود و گهگاه حتی در امور سیاسی نیز دخالت می‌کرد. بزرگ‌ترین هنری که طبقه دبیران را از دیگر طبقات ممتاز می‌کرد و آنها را در رأس کارهای دولت قرار می‌داد، آگاهی‌ها و دانش و ورزیدگی آنها در نویسندگی بود چون دبیران تنها کسانی بودند که درباره امور مختلف خواندن و نوشتن می‌دانستند و برای آموختن نکات لازم و رسیدن به این مقام باید مراحل مختلفی را طی می‌کردند و در «دبیرستان»، درس‌هایی ویژه می‌آموختند تا در نظام گسترده و منسجم اداری آن روزگار، در کنار سایر صاحب‌منصبان به شاهنشاهی ساسانی و سرزمین خود خدمت کنند. در این جستار، کوشش خواهد شد با استفاده از منابع تاریخی و پژوهش‌های تازه، به بررسی طبقات گوناگون

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان از دانشگاه شهید چمران اهواز mojdehbazarnovi689@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز jalilianshahram@yahoo.com

دبیران و وظایف و مسئولیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که هر یک از آنها در سازمان اداری دوره ساسانیان بر عهده داشته‌اند، پرداخته شود.

واژگان کلیدی: ساسانیان، دیوان، دبیری، طبقات دبیران، ایران دبیرد.

۱- مقدمه:

اردشیر بابکان در سال ۲۲۴ میلادی با پیروزی بر اردوان پنجم (۲۱۳-۲۲۴م)، آخرین پادشاه اشکانی توانست شاهنشاهی ساسانی را پایه‌گذاری کند. این سلسله به تدریج به پادشاهی بزرگی تبدیل شد و مانند هر حکومت بزرگ دیگری برای استقرار و پیشبرد اهداف و آرمان‌های خود در جامعه انسانی، نیازمند یک دستگاه اداری گسترده، منظم و در عین حال قدرتمند بود تا بتواند در سایه آن به اهداف خود دست یابد. به همین دلیل شاهنشاهی ساسانی با ایجاد تشکیلات نوین اداری و حکومتی، نظام دیوانی گسترده و منظمی به وجود آورد که دیوان‌های متعددی داشت و یکی از آنها «دیوان رسایل» یا «دیوان نامه‌نگاری» بود. در رأس این دیوان «ایران دبیرد» یا «دبیران مهشت» قرار گرفته بود. صاحب این منصب، بخش اداری و سیاسی دولت را که تمام امور مملکت در آنجا متمرکز بود، زیر نظر داشت و بعنوان رئیس بر کار تمام دبیران دیوان نامه‌نگاری نظارت می‌کرد. او نیز از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بود و یکی از وزیرانی بود که مستقیماً و بدون واسطه بزرگ‌فرمدار یا وزیر بزرگ با شاه ارتباط داشت و عزل و نصب او هم با خود پادشاه بود. در دوره ساسانی، طبقه دبیران، متناسب با کارهایی که برعهده داشتند به چند گروه تقسیم می‌شدند که از جمله آنها می‌توان «کتاب رسایل»، «کتاب محاسبات»، «کتاب اقصیه»، «سجلات و شروط و کتاب سیر» را نام برد و پزشکان، شعرا و منجمان نیز در درون این طبقه قرار داشتند. از بین پژوهش‌هایی که تاکنون درباره طبقات دوره ساسانی و نظام اداری آن روزگار انجام شده‌است، گذشته از پاره‌ای اشاره‌های پراکنده به طبقه دبیران در برخی از کتاب‌هایی که درباره تاریخ ساسانیان و طبقات و مناصب مختلف آنها نوشته شده‌اند، احمد فضل‌ی در کتاب *جامعه ساسانی*، محمد محمدی ملایری در کتاب *تاریخ و فرهنگ ایران* و مریم

مرادی و محمدتقی ایمان‌پور در مقاله «منصب دبیری در دوره ساسانیان» به شکل گسترده‌ای به این طبقه مهم و تأثیرگذار و کارکردهایشان در نظام اداری ساسانیان پرداخته‌اند. در دوره ساسانیان، کاتبان و دبیران بر اساس وظایف ویژه‌ای که برعهده داشتند در زمینه‌های گوناگون فعالیت می‌کردند و به چند گروه تقسیم می‌شدند در نامه تنسر، از هفت گروه کارگزار دولت ساسانی یاد شده که از میان آنها چهار گروه نخست، گروه‌های گوناگون دبیران هستند که عبارتند از کُتاب رسایل، کُتاب محاسبات، کُتاب اقصیه، سجّلات، شروط و کُتاب سیر، که البته پزشکان، شاعران و منجمان نیز در این طبقه قرار می‌گرفتند.^۱

۲- کُتاب رسایل (نامه‌نگاران دولتی):

یکی از دیوان‌های بزرگی که از دوره باستان در ایران اهمیت زیادی داشت و پیشینه آن را به کی‌گشتاسب، پادشاه کیانی رسانیده‌اند، «دیوان رسایل» یا «دیوان نامه‌نگاری شاهنشاهی» بوده است. این دیوان از مهم‌ترین تشکیلات اداری دوره ساسانیان به شمار می‌رفت و دبیران و نویسندگان با کفایتی با عنوان «کاتبان رسایل» در این دیوان مشغول به کار بودند و رئیس آنها را «ایران دبیر» (Erān-dibharbadh) یا «دبیران مهشت» (dibherān-mahišt) می‌نامیدند.^۲ به گفته ابن بلخی، از بین وزیران دولت ساسانی، تنها سه وزیر می‌توانستند مستقیماً و بدون واسطه «بزرگ‌فرمدار» (وزیر بزرگ) به حضور پادشاه برسند و گزارش کار خود را به او بدهند و از او دستور بگیرند که یکی از آنها «ایران دبیر» بود.^۳ به گزارش قلقشندی، صاحب دیوان رسایل، نخستین کسی بود که بر پادشاه وارد می‌شد و آخرین کسی بود که از پیش او بیرون می‌آمد و شاه درباره امور مهم مربوط به دولت و مملکت با او مشورت می‌کرد.^۴ عنوان پهلوی برای

۱. نامه تنسر به گشنسب، ص ۵۷.

۲. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۶۸۰.

۳. ابن بلخی، فارسنامه، ص ۲۳۱.

۴. قلقشندی، صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء، ج ۱، ص ۱۳۵.

نامه نگار، «فروردگ» (frawardag) یا «نامگ دبیر» (nāmag dibīr) بود؛^۱ شکل مانوی پارتی و فارسی آن frwrdg است که از کلمه ارمنی hrowartak گرفته شده و ریشه تلمودی آن 'prwrtq است که به معنای «فرمان» است.^۲ خطی که در نامه نگاری‌ها به کار گرفته می‌شد، ظاهراً خط شکسته‌ای بوده که در منابع اسلامی آن را «فرورده دفیره» (در پهلوی: frawardag dibīrīh) خوانده‌اند.^۳ همچنین کاغذی که در تشکیلات اداری برای نوشتن به کار می‌رفت از چین وارد می‌شد.^۴ ویژگی‌هایی که از یک نامه نگار شایسته انتظار می‌رفت، در داستان «خسرو و ریدگ» آمده است. ریدگی (جوان) که خواهان خدمتگزاری به پادشاه بود ادعا می‌کرد «به هنگام، به مدرسه فرستاده شدم و به فرهنگ آموختن سخت شتافتم، مرا دبیری آنگونه (است) که خوب نویس و تندنویس، باریک دانش، کامکارانگشت و فرزانه سخن هستم.»^۵ یک نامه نگار نیز می‌بایست چنان ماهر و هوشیار باشد که با یک اشاره شاه منظور او را کاملاً دریافت کند و آن را به سبکی فصیح و روان بنویسد.^۶

به نظر می‌رسد که شیوه نویسنده‌گی در دوره ساسانی، به ویژه در نامه نگاری‌های دولتی و رسمی بر پایه کوتاه نویسی استوار بوده است و به این دلیل نویسندگان این روزگار می‌کوشیده‌اند تا مطالب را در کوتاه‌ترین عبارات و در عین حال رسا و شیوا بنویسند.^۷ نویسنده نامه می‌بایست بداند که چه نوع از کلمات و تعابیر را برای کدام گروه از مردم و طبقات جامعه به کار ببرد. و در واقع، نامه نگار باید هر کسی را به تناسب مقام، مرتبه و فهم و آگاهی او مورد خطاب قرار می‌داد. نامه‌ها معمولاً با ادای احترام، سلام و درود به دریافت کننده نامه و با ذکر تاریخ شروع

۱. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۵.

2. Nyberg, "A Manuel of Pahlavi", p. 77.

۳. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۵.

۴. پیرنیا، تاریخ ایران باستان، ج ۴، ص ۲۸۵۱.

۵. آسانا، «خسرو و ریدگ»، متون پهلوی، ص ۷۲؛ تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۲۸۹.

۶. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۶-۳۵.

۷. امام شوشتری، «پرتوی از فرهنگ ایران در روزگار ساسانی»، ص ۲۲۷.

می‌شد.^۱ همچنین نام فرستنده و گیرنده را در سرآغاز نامه‌ها می‌آوردند. اگر از مقام بالایی به زبردستی نامه نوشته می‌شد، فرستنده ابتدا از خود نام می‌برد و پس از آن نام گیرنده را می‌آورد، اما اگر فرستنده زبردست مخاطب بود، نخست باید از مخاطب نام برد و سپس نام خود را بنویسد و سرانجام پشت سر نام فرستنده و گیرنده، پایگاه دولتی ایشان را می‌آوردند.^۲ مطالب باید به ترتیب اهمیت آنها در نامه گنجانده شوند و نویسنده تا وقتی مطلبی را به طور کامل به پایان نرسانده بود، نباید به مطلب دیگری پردازد و مطالب ناهمگون را در کنار هم نیاورد و اگر چنین شد آنها را از یکدیگر جدا سازد.^۳

نویسندگان دوره ساسانی و به‌ویژه دبیران دیوان به زیبایی و حسن ظاهر نوشته‌های خود اهمیت زیادی می‌دادند. همچنین اسناد رسمی و نامه‌های خصوصی را همیشه به صورت مصنوع و سبک مقرر می‌نوشتند و در این نامه‌ها، نقل قول بزرگان، نصایح اخلاقی، پندهای دینی و اشعار و مانند اینها آورده می‌شد.^۴ متنی پهلوی به نام «آیین نامه‌نویسی» از دوره ساسانی باقی مانده است که شیوه نوشتن انواع نامه‌ها را به افراد طبقات مختلف با ذکر الگوهای برای دبیران توضیح می‌دهد؛ مانند اینکه چگونه در مناسبت‌های گوناگون و خطاب به اشخاص بالادست یا فرودست و اقوام و دوستان و... نامه بنویسند یا این که نامه را با چه عباراتی آغاز و چگونه به پایان برسانند.^۵ که این خود نشان دهنده اهمیت دادن به شیوه درست و منسجم نگارش نامه در دوره ساسانیان است.

۱. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۵، ص ۳۳۶-۳۳۷؛

دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۶۳.

۲. شوشتری، تاریخ شهریاری در شاهنشاهی ایران، ص ۸۵.

۳. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۵، ص ۵۶.

۴. کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۹۶؛ محمدی ملایری، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن

اسلامی و ادبیات عربی، ص ۳۹۹.

۵. آسانا، «آیین نامه‌نویسی»، متون پهلوی، ص ۳۹؛ تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۲۹۴-۲۹۵؛ دریایی،

شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۳۹.

در دیوان رسایل، دبیرانی برای نوشتن نامه‌های گوناگون فعالیت می‌کردند. دبیری عهده‌دار نوشتن متن‌های بسیار مهم مانند فرمان‌ها و احکام انتصاب کارگزاران بلندپایه و گزارش رویدادهای بزرگ بود یا اموری که می‌بایستی از سوی دستگاه دیوانسالاری درباره آنها، بیانیه‌ها و اعلامیه‌هایی صادر گردد و به اطراف فرستاده شود تا به آگاهی همه برسد. دبیری دیگر عهده‌دار نگارش نامه‌هایی بود که از سوی پادشاه ایران به فرمانروایان سرزمین‌های دیگر فرستاده می‌شد. دبیری نیز مسئول نوشتن نامه‌هایی بود که به بزرگان و اشراف، کارگزاران، قضات، دبیران و خدمتگزاران دولت نوشته می‌شدند. نوشتن امان‌نامه‌ها و سوگندنامه‌ها نیز وظیفه چنین دبیری بود. گروه دیگری از دبیران، عهده‌دار نوشتن منشورها و نسخه‌برداری از نامه‌های مهمی بودند که از دیوان صادر می‌شد. دبیران خوشنویس نیز نامه‌هایی را که باید به شکل زیبا و پسندیده‌ای از دیوان صادر می‌شدند، مانند عهدنامه‌ها، بیعت‌نامه‌ها و پیمان‌نامه‌ها را با خطی خوش می‌نوشتند. دبیرانی نیز مسئول بودند تا تمام آنچه را که در دیوان نوشته می‌شد، پیش از صدور، بازخوانی کنند و اگر نادرستی یا لغزشی در آنها می‌دیدند یا خود به اصلاح آنها می‌پرداختند یا برای اصلاح نزد نویسنده اصلی می‌فرستادند. همچنین دبیری نیز سرپرست دفترهایی بود که از لوازم دیوانی شمرده می‌شدند، مانند دفتر یادداشتی که خلاصه تمام امور مهمی که در متن نامه‌ها آمده بودند، در آن ثبت می‌شد و یا دفتری که لقب‌ها و عنوان‌های رسمی همه کارگزاران و بزرگان در آن ثبت شده بود.^۱ نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برخی از دبیران مسئول نوشتن نامه‌های سری، محرمانه و ویژه پادشاه بودند و هیچ‌کس غیر از پادشاه و این دبیران مضمون نامه‌های نوشته شده آگاهی نمی‌یافت. در منابع دوره اسلامی این دبیران، «کاتب السِّر» نامیده شده‌اند و اصطلاح پهلوی آن احتمالاً «راز دبیره» (rāz-dibīr) بوده است و خطی که این گروه از دبیران به کار می‌بردند «راز دبیره / دفیره» (rāz-dibīrīh) خوانده‌اند.^۲ این خط رمزی و سری، برای اموری چون مکاتبات محرمانه بین پادشاهان به کار

۱. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۵، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۲. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۷.

گرفته می‌شد و پادشاهان اسرار خود را که نمی‌خواستند دیگران از آنها آگاه شوند، برای فرمانروایان دیگر سرزمین‌ها و یا بزرگان با این خط می‌نوشتند.^۱ خسرو دوم پس از کشتن بندویه، چون تصمیم گرفت بستم برادر او را هم بکشد، به «کاتب السّر» خود دستور داد تا نامه‌ای به بستم بنویسد و او را برای همفکری درباره مسأله‌ای به دربار بخواند. بستم ناآگاه از مرگ برادرش به سوی پایتخت آمد اما در میانه راه از نیرنگ خسرو آگاه شد و گریخت.^۲

دبیرانی به هنگام جنگ‌ها در خدمت سپاه ساسانی بودند و به آنها «دبیر سپاه» (dibīr spāh) می‌گفتند. در منابع عربی این دبیران سپاه را که اداره امور مربوط به سپاه و پرداخت حقوق و مزایای سپاهیان را به عهده داشتند، «کاتب الجند» نامیده‌اند.^۳ جهشیاری درباره دبیران دیوان سپاه می‌گوید پادشاهان ایران هنگام فرستادن سپاهیان به جنگ‌ها، یکی از بزرگان نویسندگان خود را همراه آنها می‌فرستادند و به فرمانده سپاه دستور می‌دادند که بدون هم‌اندیشی با دبیر، توقف و حرکت نکند و در مواقع حساس نیز با او مشورت کند و از تدبیر وی بهره گیرد، و به دبیر نیز سفارش می‌کردند تا فرمانده سپاه را از کارهای نسنجیده باز دارد. به گفته جهشیاری، در واقع هدف پادشاه از چنین فرمانی آن بود که اهمیت و برتری رأی و تدبیر دبیر را نشان دهند. دبیر همراه سپاه می‌رفت و هرگاه سپاه در طول لشکرکشی، به دستور، خبر یا نوشتن نامه‌ای به دشمن برای تهدید، ترغیب یا هشدار نیاز داشت، او از زبان فرمانده سپاه آنچه را که لازم بود می‌نوشت.^۴

کهن‌ترین سند در این زمینه، حضور چند دبیر در لشکرکشی شاپور یکم به دورااروپوس است که دیوارنوشته‌های کبسه دورااروپوس را آنان نوشته‌اند.^۵ به علاوه از شاهنامه چنین برمی‌آید که مسئولیت رساندن و دادن جیره به جنگاوران و خانواده آنها به عهده دبیر سپاه بوده است،

۱. دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۶۳.

۲. دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۳۲.

۳. دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۶۲؛ مختاریان و کمالی، «تحلیلی دیگر از طبقات ساسانی»، ص ۲۶.

۴. جهشیاری، الوزراء و الکتاب، ص ۳۱؛ محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر

اسلامی، ج ۵، ص ۳۶۵.

۵. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۶.

چنانکه خسرو انوشیروان در فرمانی به دارنده این مقام سفارش می کند که بر پرداخت مستمری فرزندان سپاهیان کشته شده در جنگ‌ها نظارت کند.

به پیش صف رومیان حمله برد بمرد و ازو کودکان ماند خرد
 چه فرمان دهد شهریار جهان زکار چنان خرد کودک نوان؟
 بفرمود تا آن کودکان را چهار ز گنج درم داد باید هزار
 هر آنکس که شد کشته در کارزار و زو خرد کودک بود یادگار
 چو نامش ز دفتر بخواند دبیر برد پیش کودک درم ناگزیر^۱

همچنین برخی از این دبیران سپاه در امور مهم دولتی و سیاسی نفوذ داشته‌اند. گودرز، دبیر سپاه در دوره یزدگرد یکم در میان بزرگانی بود که پس از مرگ یزدگرد، نمی‌خواستند کسی از فرزندان یزدگرد پادشاه گردد.^۲ یکی از دبیران سپاه به نام زاد فرخ، در یک جلسه گفت‌وگو و مناظره که در حضور خسرو انوشیروان برپا شده بود و بزرگمهر و دانشمندان دیگر در آن شرکت داشتند، حضور داشته است:

ابا نامور موبدان و ردان جهانجوی و بیدار دل بخردان
 همی خواست زیشان جهاندار شاه دگر زاد فرخ دبیر سپاه^۳

انوشیروان، دبیری به نام بابک پسر به‌زوان را به ریاست دیوان سپاه برگزیده بود و او نفوذ و اهمیت بسیاری به دست آورد.^۴ گاهی این دبیران وظیفه داشتند گزارش سری برای شاهنشاه تهیه کنند و نقش چشم و گوش او را ایفا کنند.^۵ هنگامی که بهرام چوبین، فرمانده نامدار هرمزد چهارم از شاه به خشم آمد و با سپاهش هماهنگ شد تا هرمزد را از شاهی خلع کنند و کسی دیگر را به

۱. فردوسی، شاهنامه، ج ۷، ص ۳۹۸؛ تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۶-۳۷.

۲. دینوری، اخبار الطوال، ص ۸۳.

۳. فردوسی، شاهنامه، ج ۷، ص ۲۱۴.

۴. فردوسی، شاهنامه، ج ۷، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۰-۳۱.

۵. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۶.

شاهی برگزینند، یزدک دبیر سپاه هرمزد با کارگزاری دیگر شبانه از اردوگاه بهرام گریختند و خود را به پایتخت رساندند تا خبر را به شاه برسانند و او را از نقشه بهرام آگاه سازند.^۱ همچنین خسرو انوشیروان در یکی از نبردهایش با روم بنا به دلایلی از ادامه پیشروی خود منصرف گردید و یکی از دبیران سلطنتی به نام آبانان را که به حزم و دوراندیشی معروف بود، نزد فرمانده سپاه دشمن فرستاد تا به او اعتراض کند که چرا امپراتور روم، نمایندگان خود را برای انعقاد معاهده صلح نفرستاده است، اما در حقیقت برای جاسوسی و به دست آوردن آگاهی درباره سپاه روم و نیروی آنها و شناخت کاردانی بلیزاریوس، فرمانده سپاه روم فرستاده شده بود.^۲

در دوره ساسانیان به دلیل گستردگی قلمرو ایران و توسعه روابط سیاسی و اداری با دیگر کشورها و حکومت دست‌نشانده حیره، نیاز به مترجمانی بود که به زبان‌های دیگر مسلط باشند تا بتوانند مقصود سخنگویان به آن زبان‌ها را به خوبی دریابند و از عهده پاسخ دادن به آنها برآیند، به این دلیل در دربار ساسانیان دبیران مترجمی خدمت می‌کردند، چنانکه آگاهییم در دربار خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰ م.) دست‌کم یک دبیر هندی و یک دبیر عرب وجود داشته‌اند.^۳ برای اداره امور مربوط به حکومت حیره و همچنین برای ترجمه نامه‌هایی که از بخش‌های عرب‌نشین شاهنشاهی ساسانی می‌رسید، در دربار ساسانی دبیرهای دوزبانه‌ای زندگی می‌کردند که معمولاً از اعراب حیره برگزیده می‌شده‌اند.^۴ نخستین کسی که از عرب‌های این منطقه به منصب دبیری در دربار ساسانیان رسید، لقیط بن یعمر ایادی، از قبیله ایاد بود که احتمالاً از دبیران دوره شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م.) بوده است.^۵ اما شناخته‌شده‌ترین دبیران عرب در دستگاه ساسانیان، اعضاء

۱. دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۱۲.

۲. پروکوپیوس، جنگ‌های ایران و روم، ص ۱۶۱.

۳. رضایی، «دبیر»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۷، ص ۳۵۷.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۴۷؛ محمدی ملایری، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، ص ۹۷.

۵. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۲۴۹؛ محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ مرادی و ایمان‌پور، «منصب دبیری در دوره ساسانیان»، ص ۲۰۷.

خاندان حماد بن زید، کاتبِ نعمان النصری، پادشاه حیره بودند. حماد از مسیحیان حیره بود و از خاندان او آنهایی که در دربار ساسانیان، کاتب و مترجم بوده‌اند، زیاد بن حماد، عدی بن زید و زید بن عدی شناخته شده‌اند. عدی بن زید عبادی، دبیر و مترجم عربی دربار خسرو پرویز بود و گذشته از نوشتن نامه‌های عربی پادشاه، هنگامی که یکی از بزرگان عرب به حضور می‌رسید، گفتگوی او و پادشاه را ترجمه می‌کرد.^۱ طبری نیز گزارش می‌دهد که عدی بن زید و برادرانش از «کتاب کسری پسر هرمزد» (= خسرو پرویز) بودند و برای او ترجمه می‌کردند.^۲ حماد بن زید و دیگر دبیران خاندان او، اگرچه خاستگاه عربی داشتند و از عرب‌های حیره بودند، اما چون در ایران و در میان خانواده‌های ایرانی پرورش یافته بودند، با فرهنگ ایرانی و زبان فارسی آشنایی داشتند.^۳ حقوق سالیانه دبیرانی که در دربار ساسانیان مسؤل امور مربوط به حیره بودند، از سوی عرب‌های این منطقه به شکل کالا و جنس پرداخت می‌شد و از اینها، دو کره اسب سرخ‌موی، کشک، خرما، تازه، چرم، قارچ تازه و خشک و... را نام برده‌اند.^۴ همین دبیران دوزبانه بوده‌اند که مسؤل نوشتن کتیبه‌های پادشاهان ساسانی به زبان‌های گوناگون همچون فارسی میانه، پارتی، یونانی و یا نامه‌ها و پیغام‌های این پادشاهان به زبان‌های دیگر بوده‌اند و احتمالاً برخی از آنها از روم و عربستان و جاهای دیگر آمده بودند که به دلیل روابط تجاری و هم‌مرز بودن با قلمرو ساسانی با زبان پهلوی آشنایی داشته‌اند و در دربار ساسانیان، به‌عنوان مترجم مشغول به کار بوده‌اند.^۵

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۴۷؛ آذرنوش، راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی (همراه با واژه‌های فارسی در شعر جاهلی)، ص ۱۸۶.
۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۴۷؛ مسعودی، مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۴۶۱؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۶۱.
۳. محمدی ملایری، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، ص ۹۹.
۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۵۳؛ کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۹۹.
۵. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۶؛ دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ۱۶۲-۱۶۳.

۳- کتاب محاسبات (آمارگران):

واژه «آمار» (āmār) که شکل فارسی این واژه می‌باشد، به معنای «حساب و شماره» است. این واژه از ریشه اوستایی mar که در اصل hmar بوده و وام واژه ارمنی hamar به معنای حساب و شماره است.^۱ شکل آرامی دخیل hmrkr به معنای «حسابرس و آمارگر» است.^۲ و در فارسی باستان به صورت hammara-kara بوده که سپس به شکل hammargar درآمده و در فارسی میانه به ammargar تبدیل شده است. وجود آمارگر را به دوره هخامنشیان نسبت داده‌اند، به‌ویژه در سده پنجم پیش از میلاد در اسناد الفاتین به آمارگر اشاره شده است، و در دوره ساسانیان این مقام، وظیفه مالی و حسابرسی داشته و نوعی مأمور وصول مالیات بوده است.^۳

در نامه تنسر در بین طبقه دبیران از «کتاب محاسبات» نیز نام برده شده که ظاهراً منظور همین آمار دبیران هستند که خود به چند گروه تقسیم می‌شدند.^۴ خوارزمی نام چند دسته از آمارگران را که خود جزء گروه دبیران بوده‌اند، آورده است که عبارتند از: «داد دبیر» (دبیر احکام قضایی)، «شهر آمار دبیر» (دبیر مالیات و درآمد کشور)، «کدگ آمار دبیر» (دبیر درآمد ویژه پادشاه)، «کنز آمار دبیر» (دبیر خزانه، گنج آمار دبیر)، «آخور آمار دبیر» (دبیر اصطبل شاهی)، «آتش آمار دبیر» (دبیر آتشکده‌ها)، «روانگان آمار دبیر» (دبیر اوقاف و امور خیریه).^۵ اکنون آگاهی‌هایی درباره آمارگران به دست می‌دهیم که هر کدام در سازمانی معین وظیفه اداری ویژه‌ای به عهده داشته‌اند:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1 . Nyberg, 'A Manuel of Pahlavi', p. 14.

۲. حسن دوست، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، ج ۱، ص ۵۱.

۳. مرادی و ایمان‌پور، «منصب دبیری در دوره ساسانیان»، ص ۲۱۲.

۴. نامه تنسر به گشنسب، ص ۵۷.

۵. خوارزمی، مفاتیح العلوم، ص ۱۱۳؛ محمدی ملایری، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات

عربی، ص ۹۴.

۳-۱- شهر آمار دبیر:

شهر، به معنای «قلمرو»، «سرزمین» و «کشور» است.^۱ به گزارش جهشیاری درباره بخش مالی شاهنشاهی ساسانیان، یکی از دیوان‌های اصلی دولت ساسانی، «دیوان درآمدهای کل کشور» بوده است.^۲ نام این دیوان در دوره ساسانیان به درستی روشن نیست، اما می‌دانیم که رئیس و سرپرست آن را «شهر آمار دبیر» می‌گفته‌اند. چون آمار به معنی حساب و شهر در اصطلاح آن دوره، به معنی همه کشور بوده است، چنانکه کشور ایران را «ایران شهر» می‌گفته‌اند، شهر آمار دبیر به معنی «رئیس حساب‌های تمام کشور» است و می‌توان او را همان «ایران آمارگر» یا کسی دانست که بلافاصله پس از او جای می‌گرفت.^۳ همچنین ایران آمارکار، به عنوان رئیس بخش مالی شاهنشاهی، یکی از سه وزیری بود که مستقیماً و بدون واسطه بزرگ‌فرمذار نزد شاه رفت و آمد داشت.^۴ او فهرست همه درآمدها و هزینه‌های کشور را در برگه‌هایی به هم پیوسته (طومار) ثبت می‌کرد و به پادشاه عرضه می‌داشت و شاه آنها را مهر می‌نهاد و تأیید می‌کرد. این نوشته‌ها تا پیش از خسرو پرویز بر برگه‌های سفید نوشته می‌شد، اما چون او از بوی آنها بدش می‌آمد، دستور داد که خراجدار، هر آنچه را که به نزد او می‌برد، در برگه‌هایی باشد که با زعفران، زرد شده و به گلاب آغشته شده باشد.^۵ شهر آمار دبیران به امور مالیاتی شاهنشاهی رسیدگی می‌کردند. منابع اسلامی برخی از آنها را «کاتب الخراج» نامیده‌اند. آنها نیز در دوره خسرو انوشیروان، زمین‌ها را ارزیابی می‌کردند و نظام جدید مالیات ساسانی بر مبنای محاسبه آنها شکل گرفت.^۶ از آنجا که خراج، مالیاتی بود که از زمین‌ها و املاک کشاورزی ستانده می‌شد، دیوان خراج به این معنی یکی از شاخه‌های مهم دیوان درآمدهای کل کشور به شمار می‌رفت و زیر

۱. مکنزی، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ص ۱۴۱.

۲. جهشیاری، الوزراء و الکتاب، ص ۲۹-۳۲.

۳. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۵، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۴. ابن بلخی، فارنامه، ص ۲۳۱.

۵. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۶۴۷.

۶. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشداران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۸.

نظر شهر آماردبیران اداره می‌شد.^۱ به گزارش خوارزمی، خطی که این گروه از دبیران به کار می‌بردند «شهر همار دپیره» (šahr-āmār-dibīrīh) نام داشته است.^۲ در وصیت شاپور یکم به پسرش هرمزد آمده است که «بدان که استواری کار تو به سرشار بودن مالیات و سرشاری مالیات به آبادانی کشور بستگی دارد. رسیدن به این هدف بسته به آن است که مالیات‌دهندگان را از راه عدل و کمک به ایشان به سوی خود جلب کنی.» از این رو، شاپور به پسرش وصیت می‌کند که در میان منشیان خود بهترین ایشان را برای این کار برگزیند و آنان باید از مردم نیک‌بین، پاک و شایسته باشند.^۳

۳-۲- کدگ آمار دبیر:

خوارزمی پس از شهر آمار دبیر، از منصبی دیگر به نام «کدگ آمار دبیر» (kadag- (h)-āmār dibīr) یاد کرده است.^۴ کدگ، به معنای «کوه» و «خانه» است و شکل فارسی میانه مانوی آن، «کدگ» (kdg) و شکل فارسی نو آن «کده» (kada) است.^۵ کدگ که همان «کده» فارسی و به معنای «خانه» است، در کدگ آمار دبیر، به معنای مرکز مملکت و پایتخت دولت و به تعبیر عربی «دارالملک» به کار رفته است. این مقام در منابع فارسی به شکل «در آمارکار» آمده که به معنای رئیس امور مالی دربار است و کلمه «در» در اینجا معنای «دربار» یا «اقامتگاه شاه» می‌دهد. همچنین، سرپرستی همه امور مالی دربار، املاک و درآمدهای اختصاصی شاه و هر آنچه به او و شاید خاندانش ارتباط می‌یافت، در حوزه فعالیت این کارگزار و دیوانش جای می‌گرفته است.^۶

۱. جهشیاری، الوزراء و الکتاب، ص ۲۹-۳۰؛ محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۵، ص ۱۲۸.

۲. خوارزمی، مفاتیح العلوم، ص ۱۱۳؛ دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۶۴.

۳. جهشیاری، الوزراء و الکتاب، ص ۳۲-۳۳.

۴. خوارزمی، مفاتیح العلوم، ص ۱۱۳؛ تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۸.

۵. مکنزی، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ص ۹۵.

۶. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۵، ص ۱۴۵.

خطی را که این گروه از محاسبان به کار می‌بردند، «کدگ همار دفیریه» (kadag-āmār-dibīrh) می‌نامیده‌اند.^۱ یکی دیگر از کارهای کدگ آمار دبیر این بود که در هنگام نوروز، نام هدیه‌دهندگان به شاه و میزان پاداشی که شاه برای هر یک از هدیه‌دهندگان تعیین می‌کرد را می‌نوشت تا در دیوان نوروز ثبت شود.^۲

۳-۳- گنج‌آمار دبیر:

گنج (ganj) به معنای «خزانه و گنجینه» است.^۳ حسابدارانی نیز در خزانه کار می‌کردند که آنها را «گنج‌آمار دبیر» (ganj-hāmār-dibīr) می‌گفتند و در منابع عربی و اسلامی این دسته را «کاتب الخزانة» و «دبیر خزانه» می‌نامیدند.^۴ یکی از وظایف دبیران خزانه، آن بود که در آغاز هر سال گزارشی از خزانه سلطنتی برای پادشاه تهیه کند، چنانکه منابع گزارش می‌دهند که در آغاز نوروز دبیر بهرام پنجم (گور) نزد پادشاه آمد تا او را از خالی بودن خزانه آگاه کند.^۵ خطی که این گروه از دبیران به کار می‌بردند «گنج همار دفیریه» (ganj-āmār-dibīrh) می‌نامیدند.^۶

۳-۴- آخور آمار دبیر:

آخور (āxor / āxʰar)، به معنای «جای علف خوردن دواب، طویله و اصطبل» است. ریخت این واژه در فارسی میانه āxvar و در فارسی باستان ā-hvarna و در اوستایی avo-xarano به معنای «آخور»، «اصطبل و طویله» است و در برخی از کتیبه‌های پارتی نیز به شکل hwrpty،hwr

۱. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۸؛ دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۶۴.
۲. جاحظ، المحاسن والاضداد، ص ۳۲۰.
۳. مکنزی، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ص ۷۶.
۴. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۸؛ دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۶۴.
۵. همان جا.
۶. دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۶۴.

(آخوربد، آخورسالار) آمده است.^۱ محاسبان اصطبل سلطنتی را «آخور آمار دبیر» (āxwar-āmār dibīr) می‌گفته‌اند.^۲ او مسئول حساب‌های اصطبل‌ها و همه امور مربوط به نگهداری، پرورش و تربیت اسب بوده است.^۳ و به دلیل اهمیت و منافع سودمندی که اسب از روزگاران کهن و به‌ویژه در ایران باستان در امور جنگی و سپاهی داشته است، مسؤل این دیوان را از میان بزرگان و نام‌آوران برمی‌گزیدند، و از این رو برای دولتی همچون شاهنشاهی ساسانیان با قلمروی گسترده، در اختیار داشتن چنین وسیله‌ای برای حفظ قلمرو وسیع خود و جنگ با اقوام مهاجم، بسیار مهم بود. به دلیل اهمیت جنگی اسب بود که از گذشته‌های دور، پرورش اسب یکی از شغل‌های مهم و آبرومندانه به شمار می‌رفت و معمولاً بزرگان، دهقانان و اسواران، بدان می‌پرداختند و حتی داشتن اسب‌های نژاده و سواری و سوارکاری را از نشانه‌های بزرگی و دلوری می‌شمردند. یعقوبی در یادکرد کارهای خسرو انوشیروان برای سامان دادن به امور دیوان‌ها، از تنظیم دفتری نام برده است که ویژه نشانه‌گذاری اسب‌ها بوده است.^۴ همچنین در جنگ‌ها نیز برای اداره امور مربوط به اسب‌ها از دستگاهی ویژه استفاده می‌کرده‌اند.^۵ خط ویژه‌ای که آخور آمار دبیران به کار می‌برده‌اند، «آخور همار دفیری» (āxwar-āmār-dibīrīh) نام داشته است.^۶

۳-۵- آتش آمار دبیر:

آتخش (ātaxš)، به معنای «آتش» است. ریخت فارسی میانه آتخش، از کلمه اوستایی ātarš گرفته شده است^۷ و کلمه اوستایی ātar مشتق از هندواروپایی āter- به معنای «آتش» است.^۸

۱. حسن دوست، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، ج ۱، ص ۹.
۲. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۸؛ دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۶۴.
۳. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۵، ص ۱۴۹.
۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۲.
۵. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۵، ص ۱۵۱.
۶. تفضلی، جامعه ساسانی (ارتشتاران، دبیران، دهقانان)، ص ۳۸؛ دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص ۱۶۴.
۷. Nyberg, A Manuel of Pahlavi, p. 35.
۸. حسن دوست، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، ج ۱، ص ۷.